

## جمهوری اطلاعات

## چه می‌توان کرد

دستگاه‌ها هزینه اطلاعات مورد نیاز خود را بپردازند! (بخش دوم)



حامد اکبری  
پژوهشگر سیاست‌گذاری  
دولت الکترونیک

پرواضح است که مناسبات فعلی دولت‌ها و جوامع به مرور، در طول تاریخ و بر حسب ضرورت‌ها شکل گرفته است و بسیاری از فرایندها به صورت طبیعی ایجاد شده‌اند. از جمله با پیشرفت توسعه و نفوذ تکنولوژی‌های ارتباطی و اینترنت و فضای مجازی، بنا بر تقاضای جامعه در موضوع اخذ خدمات با استفاده از تکنولوژی‌های نوین، بسیاری از فرایندهای الکترونیکی به دولت‌ها تحمیل شده است. البته این اجبار، می‌تواند منشأ آثار مفید و متضمن آینده‌ای بسیار نیکوتر باشد. فرایندهای دیجیتال‌شده‌ای که اخیرا به جزئی از اکوسیستم ضروری اداری کشور تبدیل شده، باعث بسیاری از ناهمگونی‌ها و نارسایی‌ها در کلیت دولت الکترونیک شده است. بنابراین لزوم بازاندیشی در روش تحقق دولت الکترونیک، ضروری به نظر می‌رسد. بحث طرح‌شده، در مورد ارتباطات داده‌ای - اطلاعاتی بین دستگاهی هم از جمله همین مشکلات است. از آنجا که مجازی‌سازی فرایندها به مرور و بر بسترهای بوروکراتیک سنتی و عدم آمادگی‌های الکترونیکی اطلاعاتی دولت و دستگاه‌ها بنا شده است، واجد مشکلات بسیاری است که معضلات ۱۰گانه‌ای که در بالا ذکر شد، بازماندگی قسمت کوچکی از آنهاست. کلید درک این مشکلات و همچنین دستیابی به راه‌حل‌های احتمالی آنها، در فهم صحیح از موضوع اقتصاد اطلاعات مستتر است. برای شفافیت بیشتر بحث باید بدانیم که اقتصاد اطلاعات به اصل وجودی اطلاعات، ارزش آنها و تأثیرات آن بر روابط جوامع انسانی و بازارها می‌پردازد. با نگاهی آسیب‌شناسانه به فرایندهای خدمات در دولت الکترونیک، می‌توان دریافت که اصل دعوا بر سر اطلاعات است، خواه نقش آفرینان و ذی‌نفعان به آن آگاه باشند، خواه نباشند! اجالا در موضوع ارتباط اطلاعاتی بین دستگاهی در دولت الکترونیک الگوی سدهای متصور است که می‌تواند بعدی خود یعنی ذی‌نفعان را برای افزایش کیفیت فعالیت خود و اعمال تدابیر خلاقانه متقاعد کند. ایدم‌محوری این است که چون دستگاه‌ها موظف هستند حسب وظایف ذاتی و تکالیف قانونی خدماتی را ارائه کنند، واگذارکردن تولید و در اختیار گذاشتن بیش‌بازارهای داده‌ای و اطلاعاتی به دستگاه دیگر خالی از منق است. نگارنده بر این باور است که هر دستگاهی موظف است اطلاعات مورد نیاز خود را به دست آورد. حال برای این کار می‌تواند راه‌حل‌های گوناگونی را انتخاب کند. اعم از خرید اطلاعات مورد نیاز از دستگاهی که این اطلاعات نزد اوست. این تغییر روش، احتمالا بسیاری از مشکلات را مرتفع خواهد کرد. از جمله اینکه، دستگاه‌ها ارزش اطلاعاتی را که به آن نیاز دارند، نخواهند شناخت و همچنین قدر اطلاعاتی را که می‌توانند تولید کنند، خواهند دانست. آنها در خواهند یافت که می‌توانند از طریق تولید اطلاعات، برای دستگاه خود ایجاد درآمد کنند. علاوه بر آن، سطح کیفیت اطلاعات در کشور بسیار بالاتر خواهد رفت، زیرا اطلاعات ضعیف یا آلوده یا غیر روزآمد غیرقابل فروش خواهد بود و مشتری نخواهد داشت. فایده دیگری که بر راه‌حل پیشنهادی مترتب است، ایجاد فرصت برای حضور بخش خصوصی در همکاری با دولت الکترونیک و بالعکس است. چه بسیار اطلاعاتی که کسب‌وکارهای بخش خصوصی، به دلیل اعتماد بیشتر مردم و خلاقیت‌های خود در دست دارند که می‌تواند به کمک فرایندهای دولت بیاید و چه بسیار اطلاعاتی که نزد دستگاه‌های دولتی موجود است و بخش خصوصی به آن دسترسی ندارد که به همین دلیل ساده، نمی‌تواند سرویس‌های مکمل مفید و مؤثرتری را به جامعه ارائه کند. با ایجاد چنین نظام اطلاعاتی خودسامانگر، امکان شکل‌گیری سیاست‌گذاری‌های آگاهانه و داده‌محور شکل خواهد گرفت و هرج‌ومرج‌های خدمات‌رسانی در دولت به تدریج سامان خواهد یافت. کشور رفته‌رفته به منابع ارزشمند اطلاعاتی دست یافته و می‌تواند به مدارهای بازار و اقتصاد اطلاعات جهانی وارد شود و به جای خام‌فروشی اطلاعات یا ایزولاسیون اطلاعاتی به عرضه اطلاعات پردازش‌شده پرداخته و از منافع آن بهره‌برد. از همه مهمتر، شهروندان که مالک اصلی اطلاعات خود هستند، در ارزش‌افزوده ایجادشده از طریق دریافت خدمات سریع و ارزان سهم خواهند شد و در آینده‌ها کاملا قابل‌تصور، دولت می‌تواند و حتی باید سهم شهروندان از ثروت آفرینی مبتنی بر اطلاعات خودشان را به خودشان بپردازد! این اتفاق همچنین راه‌حل ساده‌ای برای بسیاری از بدظهاری‌های مرسوم توسط شهروندان و عدم به‌روز‌رسانی اطلاعات آنهاست زیرا اطلاعات صحیح و روزآمد، جوی ارزش و منشأ کسب درآمد یا دریافت ارزش‌افزوده خواهد بود. البته پرواضح است ایجاد این اکوسیستم جدید اطلاعاتی با مکانیسم دستوری و آیین‌نامه‌ای به دستگاه‌ها ممکن نخواهد بود. این ماشین اطلاعاتی باید جایی به راه بیفتد. به مرور اطلاعات به‌مثابه یک دارایی پذیرفته شده و به کالایی دارای ارزش تبدیل خواهد شد و این جریان اطلاعاتی به‌صورت طبیعی ادامه خواهد یافت.

محمد مساعد: تسلطش به آنچه بر مسکن در ایران گذشته، واضح است و می‌تواند از دل خطبه‌خط برنامه‌های توسعه و طرح‌های جامع مسکن نکاتی را بیرون بکشد که پشتوانه نظرش درباره موضوعی باشد همان‌طور که لایه‌لای صحبت‌هایش گریزی هم به نظریات اقتصادی می‌زند. کلمات را با دقت انتخاب می‌کند و شمرده شمرده سخن می‌گوید و بعد از برخی جملات، مکث می‌کند و می‌گوید: «این کلمه را عوض کن؛ برایتان در درس می‌شود». از طرح جامع مسکن که جزء تدوین‌کنندگانش بوده، حرف می‌زند و با حسرت می‌گوید: «حیف آن طرح که زیر دست‌و‌پای سیاست‌مداران له شده» و بعد، وقتی به اقتصاد توسعه می‌رسد، می‌توانی شور و هیجانی که از میل آشکارش به توسعه در صدایش منعکس می‌شود، ببینی. آنچه در ادامه می‌آید حاصل گپ‌وگفتی مفصل با کمال اطهاری، پژوهشگر توسعه و کارشناس ارشد مسکن، درباره سیاست‌های ۴۰ساله مسکن در ایران است.

با نظر برای آغاز گفت‌وگو درباره کارنامه ۴۰ساله سیاست‌های مسکن در ایران، بهتر است کمی به پیش از انقلاب برگردیم. در سال‌های منتهی به انقلاب، در پنج سال شاهد افزایش سه‌برابری قیمت مسکن بودیم که به نظر تعدادی از کارشناسان، نتیجه نفی شدن بازار مسکن بود. جقدر با این ادعا موافق هستید؟

در آن سال‌ها درآمد نفت یک فشار تئوری را ایجاد کرد. به دلیل هزینه‌های بالای بودجه عمرانی و توزیع درآمدی که تقاضای مؤثر زیادی ایجاد کرد، بدون آنکه زیرساخت‌های موجود کشور و تولیدات داخلی و حتی افزایش واردات بتواند پاسخ‌گوی آن باشد. با این حال، آن افزایش قیمت‌ها را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان با سال‌های پس از انقلاب مقایسه کرد. بهای مسکن متعارف در مناطق شهری ایران در آن سال‌ها، حدود سه تا چهار برابر درآمد سالانه خانوار بود که بسیار مطلوب است. همان‌طور که بهای یک خودروی متوسط نیز حد اکثر برابر درآمد یک سال خانوار بود. به‌این‌ترتیب، یک خانوار متعارف شهری می‌توانست با یک سال مسکن صاحب خانه شود. اگرچه صاحب‌خانه‌شدن برای مهاجران کم‌درآمد سخت بود؛ اما نمی‌توان لفظ بحرانی را برای وضعیت آن سال‌ها به کار برد. در سال‌های پیش از انقلاب، شکاف بین مناطق شهری و روستایی به‌شدت بالا بود. برای مثال چیزی حدود ۹۰ درصد خانوارهای شهری در آن سال‌ها از نعمت برق بهره‌مند بودند؛ درحالی‌که بهره‌مندی از برق در روستا به ۲۰ درصد هم نمی‌رسید. همین مثال می‌تواند به‌تندی این شکاف عظیم را نشان بدهد. بی‌توجهی به این شکاف از مهم‌ترین اشتباهات برنامه‌ریزان کشور در آن دوره بود. اشتباه دوم که تا همین امروز نیز ادامه دارد، این بود که بر اساس سیاست‌های مسکن، افراد کم‌درآمد، شهروندزاد می‌شدند؛ به این صورت که در ضوابط شهری، طرح جامع اول شهر تهران که در سال ۱۳۴۹ به تصویب رسید، متراژ قطعه‌بندی زمین برای مسکن حداقل ۲۷۰ متر مربع تعیین شد؛ درحالی‌که تا پیش از تصویب این طرح، قطعه‌بندی زمین مسکن در شهر تهران حدود صد مترمربع بود. این الگوی نادرست پیرو طرح تمدن بزرگ شاه به طرح جامع شهر تهران تحمیل شده بود. در بخش تحلیل مسکن طرح جامع، عنوان شده بود اگر روند کنونی پیشرفت اقتصادی ادامه پیدا کند، دیگر در شهر تهران شهروند کم‌درآمد نخواهیم داشت و ورود افراد کم‌درآمد به شهر تهران در نهایت تا سال ۱۳۵۳ خواهد بود؛ یعنی در آن طرح روند پیشین افزایش درآمد را مبنا قرار داده و برپایه این نتیجه گرفته بودند که تا سال ۵۳ همه افراد کم‌درآمد به طبقه متوسط خواهند پیوست و بر پایه این تحلیل بچگانه، عملا طرح را برای شهروندان طبقه متوسط به‌بالا نوشته بودند که مشخص است یک توهم بزرگ بود. این طرح نخستین نتیجه خود را خیلی زود نشان داد و آن ظهور اولین کانون گسترده اسکان غیررسمی در ایران معاصر، یعنی شادشهر یا همان اسلامشهر کنونی بود. اسلامشهر کنونی در سال ۱۳۴۵ روستایی به نام قاسم‌آبادشاهی بود که فقط هزار ۵۰۰ نفر جمعیت داشت. در ۱۰ سال جمعیت آن در سال ۱۳۵۵ به ۵۵ هزار نفر رسید و شادشهر نام گرفت و بعد از انقلاب نامش اسلامشهر شد و جمعیتش در سال ۱۳۹۵ به ۵۵۰ هزار نفر رسید. تا پیش از ظهور این کانون بزرگ اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینی محدود به رانندگان اجتماعی بود؛ اما در آن سال‌ها برای اولین بار حاشیه‌نشینی بر پایه دلایل اقتصادی شکل گرفت.

با ظهور انقلاب اسلامی، رفع دغدغه مسکن به یکی از شعارها و اهداف انقلاب تبدیل شد. برای مثال در اصول سوم، سی‌ویکم و چهل‌وسوم قانون اساسی به وظایف دولت و نظام برای تهیه مسکن آبرومند برای مردم به عنوانی مختلف اشاره شده است. به نظر شما چرا آن وعده‌ها که به نظر خیلی مطمئن می‌رسید، عملی نشد؟

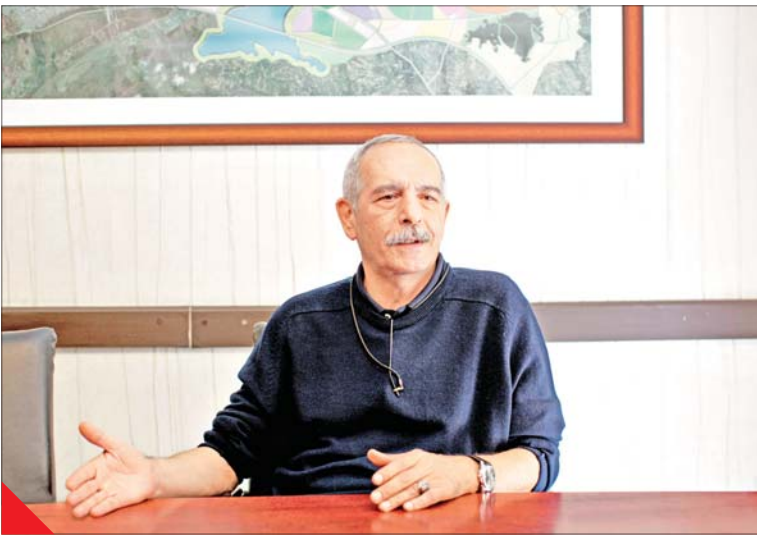
سؤال‌تان هوشمندانه است. تحقق حقوق اجتماعی جزء اهداف انقلاب اسلامی بود. در قانون اساسی مشروطه به حقوق اجتماعی توجه چندانی نشده بود و حقوق سیاسی مردم مورد تأکید قرار گرفته بود. هرچند در سال‌های پس از مشروطه قدم‌هایی مانند تأسیس سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۴۷ برداشته شده و بحث تأمین مسکن حتی در همان برنامه اول توسعه سال ۱۳۴۷ مطرح بود؛ اما تأمین حقوق اجتماعی

## اقتصاد

بررسی کارنامه ۴۰ساله سیاست‌های مسکن در گفت‌وگو با کمال اطهاری

## پروژه اصلاحات قیچی شد

شاه هم جرئت نداشت مثل احمدی‌نژاد در یک طرح جامع دست ببرد



عکس: زینبعلی رستمی، شرق

جزء وظایف دولت‌ها دیده نشده بود. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ حقوق اجتماعی به‌عنوان یک مطالبه تاریخی وارد قانون اساسی شد و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی جزء اولین بنیادهای انقلابی کشور بود که تشکیل شد؛ اما مسئله اساسی اینجا بود که هیچ الگوی اجتماعی اقتصادی شایسته‌ای برای اجرای آن نه در پیش از انقلاب و نه در آن سال‌ها پیش‌بینی و تعریف نشده بود. گمان عده زیادی این بود که صرفا عمل به احکام اسلامی می‌تواند به این موضوع سامان دهد. گمان عده زیاد دیگری هم این بود که دولتی‌کردن می‌تواند مشکلات را حل کند و باز گمان هر دو گروه هم این بود که فساد و سرسپردگی به مهربالیسم بوده که باعث این مشکلات شده است و اگر یون قیمت‌ها را به‌مساوات نمی‌توانست با سال‌های مشکلات حل خواهد شد. جلال میرا اقتصاددان بزرگ توسعه، می‌گوید: کماب‌ترین عامل توسعه دانش است. شاید همین جمله بتواند وضعیت آن سال‌ها را به‌خوبی توضیح دهد. در آن سال‌ها هم شور و حرارت و صداقت انقلابی وجود داشت و هم منابعی مثل نفت موجود بود؛ اما چیزی که وجود نداشت، دانش توسعه بود. در نتیجه دولتمردان انقلابی سیاست تقسیم منابع را در پیش گرفتند. جالب است بدانید با همه اینها آن سیستم تصمیم‌گیری موفق شد چند اقدام درخشان هم انجام دهد؛ اما به قول اقتصاددانان توسعه‌نهادی ناقصی را ساخت که این نهاد‌های ناقص به مرور زکک‌کارکرد شدند. برای مثال قانون بسیار مترقی زمین شهری در سال ۱۳۶۱ تصویب می‌شود و در ماده یک خود صاحب مسکن‌کردن کم‌درآمدها را جزء اهداف خود برمی‌شمارد؛ اما نهاد‌های پشتیبان آن مانند تعاونی‌های مسکن به صورت ناقص شکل می‌گیرند. در تعاونی‌های مسکن یک عده در محیط کار دور هم جمع می‌شدند و با آزمون و خطای بسیار یک مسکن برای خود می‌ساختند؛ و زمانی که تعاونی‌های مسکن در معنای واقعی آن اتحادیه‌های تعاونی هستند؛ اما به علت تشکل‌هراسی امکان فعالیت به این شکل منسجم از آنان گرفته شد.

اما آقای عبدالعلی زاده، وزیر مسکن دولت اصلاحات، با کارنامه‌ای موفق از تئریز به تهران آمده بود و خود نیز بارها به افزایش‌نیافتن جدی قیمت مسکن در دوره هشت‌ساله‌اش اشاره می‌کند. آقای عبدالعلی زاده از نظر شخصیتی مدیری موجه بود؛ اما سیاست‌هایش در زمینه مسکن ناموجه بود. در ابتدای دولت اصلاحات به علت تورم بالایی که وجود داشت، بخش مسکن دچار افت شده بود و افزایش‌نیافتن قیمت مسکن ارتباط چندانی به عملکرد وزیر مسکن نداشت. در آستانه سال ۸۴ بهای مسکن به ۱۲ برابر درآمد سالانه خانوار شهری رسیده بود. با این حال اقدامات خوبی هم در آن دوره انجام شد. برای

مثال سند ملی توانمندسازی در سال ۱۳۸۲ تصویب شد که در نتیجه‌اش حاشیه‌نشین‌ها که تا پیش از آن به آنها به شکل فراریان از جنگ نگاه می‌شود به‌عنوان شهروند به رسمیت شناخته شدند. برنامه چهارم توسعه پس از انقلاب نیز یک برنامه پیشرفته بود که می‌توانم آن را برنامه‌ای برای بلوغ ایران بنامم اما متأسفانه این برنامه با گردن‌کشی‌های بوش در خاورمیانه هم‌زمان شد و به نظر بوش که دولت اصلاحات را به‌عنوان مانعی برای زمین‌زدن ایران می‌دید، تمام تلاش خود را کرد تا به برنامه‌های اصلاحی خاتمی ضربه بزند. در همان زمان در داخل کشور نیز عده‌ای شعار عبور از خاتمی می‌دادند و عده‌ای دیگر در طیف مقابل مرگ بر خاتمی را فریاد می‌زدند که باعث شد اقدامات سال‌های آخر خاتمی و همه آن برنامه‌های درخشان نیز ضرب تدریوی‌های سیاسی چپ و راست محو شود و درگیری داخلی و کارشکنی‌های خارجی مانند دوله قیچی کمر آن برنامه‌ها را قیچی کردند.

آ دو رویکرد از سه رویکرد مشخص دولت‌های پس از انقلاب درباره مسکن را ذکر کنید. سومین آنها چه بود؟

رویکرد سوم از دل قیچی‌شدن برنامه‌های خاتمی بیرون آمد. رئیس‌جمهوری آمد و یک سند که به‌عنوان میثاق ملی نوشته شده بود را بدون ذکر دلیل سرمایه‌دارانه خواند و طرح جامع مسکن را کنار گذاشت و یک برنامه قیچی‌مانند را جایگزین آن برنامه جامع عدالت‌محور کرد. مثلاً طبق برنامه‌ها قرار بود در داخل خود کلان‌شهرها از سوی شهرداری‌ها مسکن ارزان برای دهک اول با نظارت شوراهای شهر یعنی نمایندگان مردم و بدون دخالت دولت ساخته شود نه آنکه به بیرون از شهرها رانده شوند. یکی از اقتصاددانان توسعه می‌گوید دولتی‌که از جامعه مستقل شود عملا تاگر می‌شود و به‌راستی این اتفاق افتاد. این کاریکاتور رویکردی دهه اول ملغمه‌ای مسکن ارزان را در خود داشت. مثلا می‌خواست عدالت را با مسکن مهر اجرایی کند اما می‌خواست خودش این کار را انجام دهد و به شهرداری‌ها تسپارد. با همان سیاست قیچی‌مانند با چاپ پول و برداشت پول از بانک‌ها حجم نقدینگی را به‌شدت بالا برد بدون آنکه متناسب با آن مسکنی برای کم‌درآمدها بسازد.

ادامه در صفحه ۱۹



## با آپ بلیت قطار بخرید!



کارت به کارت، خرید بسته‌های اینترنت، خرید شارژ، پرداخت قبض‌های خدماتی

نیوکواری، خرید بیمه، خرید بلیت قطار، خدمات خودرو و...



app.733.ir

## دریچه

## بیش از نیمی از مصوبات کارگروه رفع موانع تولید عملیاتی شد

معاون امور صنایع وزیر صنعت، معدن و تجارت از تحقق ۹۴ درصدی تولید خودرو در هفت ماه گذشته خبر داد و گفت: تا امروز حدود ۹۰۰ هزار دستگاه خودرو در کشور تولید شده که نشان‌دهنده تحقق حدود ۹۴ درصدی تولید خودرو است. به گزارش وزارت صنعت، محسن صالحی‌نیا اظهار کرد: در هفت ماه گذشته کالاهای صنعتی رشد نسبتا مناسبی داشته‌اند و در این زمینه تأیر اتومبیل از رشد ۹ درصدی نسبت به سال گذشته برخوردار بوده است. صالحی‌نیا افزود: با رصد به‌موقع واحدهای تولیدی باید با کمک دستگاه‌های مرتبط مشکلات را رفع کنیم و کارگروه رفع موانع تولیدی نیز به‌طور منظم و پیگیرانه در سطح استان‌ها و ستاد وزارتخانه تشکیل می‌شود. به گفته او از ابتدای سال تاکنون حدود هزار ۷۰۰ جلسه استانی و ستادی تحت عنوان کارگروه رفع موانع تولید برگزار شده و ۵۱ درصد مصوبات عملیاتی شده و ۴۹ درصد نیز در دست انجام است.

## بیت‌کوین از ۷ هزار دلار عبور کرد

قیمت بیت‌کوین با رسیدن به بیش از هفت هزار و ۳۰۰ دلار، به رکوردی جدید دست پیدا کرد؛ براین‌اساس مجموع سرمایه بازار ارزهای مجازی نیز به ۱۸۸.۵ میلیارد دلار رسید. به گزارش مهر به نقل از بیت‌کوین‌دسک، قیمت بیت‌کوین بار دیگر افزایش پیدا کرد و در چند روز اخیر، به‌صورت بی‌دری در حال جهش است و در آخرین ثبت رکورد، از هفت هزار دلار در هر واحد هم عبور کرد. شاخص قیمت بیت‌کوین‌دسک، نشان می‌دهد درحال حاضر، قیمت هر واحد بیت‌کوین به هفت هزار و ۳۰۰ دلار رسیده که بیشترین سیر افزایشی این ارز رمزنگار از زمان معرفی آن به دنیای ارزهای مجازی است. بیت‌کوین در ۲۴ ساعت گذشته تقریبا سه درصد افزایش داشته و در یک هفته گذشته، بیش از ۲۰.۵۶ درصد بالا آمده است و سرمایه بازار این ارز رمزنگار به بیش از ۱۱۶ میلیارد دلار رسیده است. قیمت «بیت‌کوین نقد» هم در ۲۴ ساعت گذشته با ۱۳.۶۳ درصد افزایش به حدود ۵۴۶ دلار رسیده است؛ ضمن اینکه در هفت روز اخیر با افزایش ارزش درخورد توجه ۶۲.۱۶ درصد روبه‌رو شده است.